



۲۰۱۹/۰۶/۰۳



هارون یوسفی

کابوس



خواب میدیدم که طالب گشته ام
خواب میدیدم که ریشم لُر کده
واسکت من انتحاری گشته است
کوچ من در لابلای چادری
دخترم درخانه مانده روز و شب
سی دی و دی وی دی را بشکسته ام
لشکر ناتو ز دست من عذاب
گاه در هلمند گهی در پکتیا
۴۵ کشور به دنبالم روان
گاه برادر جان خطابم می کند
آدم جنگی و جالب گشته ام
کاکلم از لنگی من سر کده
مردم از پیشم فراری گشته است
میخرامد مثل یک کبک دری
می فرستد ناسزا از زیر لب
تی وی را با بند تنبان بسته ام
اوزمن و من ز او در اضطراب
گاه در غزنی، گهی چار آسیا
شخص اوباما ز دستم در فغان
گاهی، تروریست حسابم می کند

** * **

** * ** **

خواب میدیدم که طالب گشته ام
بر سر ناتو، غالب گشته ام
خواب میدیدم اوباما مرده است
کرزی از مرگش بسی افسرده است

طبق معمول گریه در چشمان او
گریه باشد، جان او ایمان او
گریه های او مرا بیدار کرد
شام من باگریه خود تار کر

** * **

دسمبر ۲۰۱۵

تذکر:

هرگاه خوانندگان محترم متمایل باشند که سروده ها و مطالب دیگری از این طنز نویس مشهور افغان را مطالعه کنند، می توانند با "کلیکی" بر عکس نویسنده در صفحه مقالات، به "آرشیف" شان رهنمائی شوند!

کابوس

[Yousofi_h_۷۸_kaaboos.pdf](#)

